

علی غریبه خوئیق
عضویت علمی دانشگاه آزاد اسلامی



شرح و نقدی بر:

ماده ۲۱۸ اصلاحی قانون مدنی

مصوب ۱۳۷۰



۱- ماده ۲۱۸ پیشین قانونی مدنی

به موجب ماده ۲۱۸ پیشین قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ (۱) قانونگذار هر عمل حقوقی (اعم از عقد و ایقاع) را که به قصد فرار از دین واقع می‌شود، غیر نافذ اعلام کرده و به جهت حفظ حقوق طلبکاران، ایجاد اثر قانونی اعمال حقوقی مزبور را منوط به تنفیذ آنان نموده بود.

البته بدیهی است، که فقط اعمال ارادی بدهکار مشمول مقررات راجع به معامله به قصد فرار از دین می‌شد و مسئولیتهای قهری وی در محدوده دعوی و عنوان معامله به قصد فرار از دین قرار نمی‌گرفت، (۲) همچنین اعمال حقوقی غیرمسالی

۱- ماده ۲۱۸ پیشین قانون مدنی: «هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده، آن معامله نافذ نیست».

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

بهرام درویش‌خادم، معامله به قصد فرار از دین در حقوق اسلام و ایران، چاپ اول، سازمان انتشارات کیهان- تهران، ۱۳۷۰، ص ۷۰ به بعد.

دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، انتشارات بهنشر - تهران، بهمن ۱۳۶۶، جلد دوم، ص ۲۷۱ و ۲۷۴.

دکتر سیدحسین صفائی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ دوم، نشر مؤسسه عالی

حسابداری تهران ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۵۸.

مانند نکاح، طلاق و یا اقرار به نسبت به جهت غلبه جنبه اخلاقی و شخصی آنها بر جنبه مالی شان، از شمول مقررات مربوط به معامله به قصد فرار از دین استثناء می‌شد (۱) برای مثال، اگر بدهکاری در نتیجه ازدواج متعهد پرداخت مهر و نفقه به زن خود می‌گردید، درخواست بطلان عقد نکاح به جهت آثار مالی مترتب بر آن، امکان نداشت.

بنابراین بموجب ماده مزبور هر عمل حقوقی مالی (اعم از عقد و ایقاع) مشمول مقررات معامله به قصد فرار از دین قرار می‌گرفت. بدین ترتیب که طلبکار می‌توانست نسبت به اعمال حقوقی مالی که به قصد فرار از دین واقع شده بودند، اعتراض نماید و اعلام عدم نفوذ آنها را از دادگاه بخواهد.

۲- حذف ماده ۲۱۸ در سال ۱۳۶۱

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به سال ۱۳۶۱، ضمن اصلاحاتی که در قانون مدنی، جهت انطباق کامل آن با فقه امامیه بعمل آمد، ماده ۲۱۸ قانون مذکور، بدون ذکر دلایل حذف، توسط هیات بررسی‌کننده قانون مدنی حذف گردید.

این عمل عجولانه کمیسیون قضائی مجلس، حقوقدانان را شگفت زده و محاکم را دچار سردرگمی کرد و دعاوی راجع به معاملات به قصد فرار از دین را نیز هاله‌ای از ابهام فرا گرفت. زیرا رویه‌ای که بیش از پنجاه سال در محاکم کشور جاری بود به یکباره برچیده می‌شود و تا بنای حقوقی جدیدی برای آن دعاوی یافت گردد و رویه جدیدی در محاکم بوجود آید، ابهام و تشتت آراء در محاکم یک امر بدیهی و مسلم می‌باشد.

۳- ضرورت احیاء ماده ۲۱۸ قانون مدنی

در یک اجتماع منظم که حقوق و تکالیف با هم ملازمه دارند، عدم انجام تکالیف از یک طرف، ملازمه با تزییع حقوق دیگران از طرف دیگر خواهد داشت. وقتی بدهکار که مکلف به پرداخت بدهی خویش به طلبکاری باشد، فرار از

انجام تعهد از طرف وی، صدمه به حقوق طلبکار خواهد بود. لذا آیا عدم مقابله با بدهکاران شاید، خطر جدی برای دوام نظم جامعه نیست؟

همچنین چنانکه می‌دانیم، روابط تجارتنی افراد، که لازمه زندگی اجتماعی فعلی است، بر اساس اعتماد و اعتبار طرفین استوار است و افراد بخاطر دارائی طرف مقابل که وثیقه عمومی تعهدات مالی شخص می‌باشد، با وی وارد معامله می‌شوند، لذا اگر در چنین فضائی بدهکار اجازه داده شود که برای فرار از پرداخت بدهی خویش، اسوال خود را به دیگران منتقل کند و ترکیب دارایی خود را برهم زند، آیا میتوان به ثبات اعتماد اجتماعی و امنیت معاملات در جامعه امیدوار بود؟

علاوه بر ملاحظات اجتماعی، مذموم بودن نیت فرار از انجام تعهد و زیان رساندن به طلبکار در نزد اخلاق نیز، لزوم غیر نافذ دانستن، معاملات به قصد فرار از دین را مبرهن می‌سازد. زیرا در خصوص تأکید و لزوم وفای به عهد و پرداخت دین در مذهب و اخلاق ما شکی وجود ندارد.

در خصوص عدم نفوذ معاملات انجام یافته به قصد فرار از دین، نظراتی در فقه نیز دیده می‌شود. (۱) همچنین در لایحی قوانین جاری کشور نیز موادی که مشعر بر عدم نفوذ معاملات مذکور باشند، کم نیستند. (۲)

۱- در سؤال و جوابی که از مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بعمل آمده است، چنین بر می‌آید که ایشان صلحی را که به قصد فرار از دین باشد، صحیح نمی‌دانند و آنرا به معامله انگور جهت ساختن شراب تشبیه کرده‌اند، و چنین صلحی را برخلاف قاعده لاضرر نیز توصیف کرده‌اند. (سید محمد کاظم طباطبائی، سؤال و جواب ص ۲۲۴).

فقه‌های دیگری نیز مانند صاحب شرایع الاسلام و صاحب وسیلة النجاة گفته‌اند، وقتی معامله به قصد صلح و هبه به قصد فرار از دین صورت گیرد، وقتی امید نمی‌رود که توسط کسب و کار مالی بدست آورده و دیون خود را بپردازد، مشکل می‌توان چنین معامله‌ای را صحیح دانست. این نظر در تحریر الوسیله نیز آمده است. (سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیلة النجاة، با تعلیق آیت‌الله العظمی سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۹۲- روح‌الهموسوی الخمینی- تحریر الوسیله ج ۲، ص ۱۸).

۲- اصل چهلیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران- ماده ۶۵- ق. م. ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب تیرماه ۱۳۵۱- ماده ۴۲۴ و ۵۰۰ ق. تجارت.

بناء علیهذا، حذف ماده ۲۱۸ پیشین به دلیل عدم انطباق آن با فقه امامیه : قابل توجه نبوده و با توجه به ملاحظات اجتماعی و اخلاقی، احیاء آن، که در فرهنگ حقوقی کشورمان شناخته شده می باشد و محاکم نیز سالیان متمادی بر اساس آن احقاق حق نموده اند، ضروری بنظر می رسد. (۱)

۴- تصویب ماده ۲۱۸ اصلاحی در سال ۱۳۷۰

با توجه به ضرورت احیاء ماده مذکور و انتقادات و پیشنهادات اعضاء جامعه حقوقی کشورمان، ضمن اصلاحات دیگری که توسط مجلس در قانون مدنی، در سال ۱۳۷۰ بعمل آمد، ماده ۲۱۸ ق. مدنی با محتوای جدید و کاملاً متفاوت با ماده ۲۱۸ پیشین ق. مذکور احیاء گردید که در حد حوصله این و جیزه به شرح و نقد آن پرداخته می شود:

۵- ماده ۲۱۸ اصلاحی

در ماده ۲۱۸ اصلاحی مقرر شده است که: «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین بطور صوری انجام شده، آن معامله باطل است». بموجب این ماده هرگاه شخصی معامله ای را با قصد فرار از دین بطور صوری انجام دهد، آن معامله باطل می باشد. معامله صوری نیز معامله ای است که در آن اراده جدی بر انجام معامله وجود ندارد.

لازم به توضیح است که، مدیونی که قصد پنهان نمودن اموال خود و محروم ساختن طلبکاران را دارد، ممکن است بواسطه یکی از طرق ذیل به هدف خود نایل آید:

نخستند اموال خود را به طور صوری به دیگران انتقال می دهد و اراده جدی به انجام معامله ندارد. ولی در نهان مالکیت خود را حفظ می کند تا بدین طریق، طلبکار از اجرای حق خویش بازدارد. برای معامله صوری دو فرض قابل ذکر می باشد:

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

دکتر فتح اله یآوری، ضرورت احیاء ماده ۲۱۸ ق. م سجله کانون وکلاء شماره ۴ دوره

جدید، ۱۳۶۹.

۱- طرفین قصد هیچگونه انجام عمل حقوقی را نداشته باشند مثل معامله صوری به قصد فرار از دین. یعنی بدهکاری، برای اینکه اموال خود را از دسترس طلبکاران دور نگه دارد آنرا بطور صوری ب دیگران می فروشد. این معامله باطل است، چون اراده در آن ملحوظ نشده است.

۲- طرفین قصد انعقاد قراردادی را دارند ولی آنرا زیر پوشش یک معامله صوری مخفی می کنند که به آن معامله ظاهری می گویند. بعبارت دیگر قصد انجام قرارداد هست ولی ماهیت آن قرارداد مخفی نگه داشته می شود. برای مثال برای فرار از مالیات، هبه را تحت عنوان بیع منعقد می کنند. در اینجا قصد هبه می باشد ولی بیع صوری است. در چنین شرایطی، عقد هبه اگر شرایط لازم را داشته باشد، واقع می شود، چون اراده طرفین بر هبه تعلق گرفته است ولی عقد بیع به جهت آنکه اراده در آن ملحوظ نشده است، انجام نیافته است. با وجود این اگر معامله ای که منظور واقعی طرفین است ممنوع و فاسد باشد، هیچکدام از قراردادها منعقد نخواهند شد. مثلاً قرارداد وام با بهره را تحت عنوان بیع شرط منعقد کنند. بیع شرط (معامله صوری) واقع نمی شود، چون قصد آنرا ندارند و عقد اصلی (وام با بهره) نیز بدلیل مخالفت با قانون فاسد است. (۱) در اینجا بیع شرط را بدوگونه می توان باطل کرد: به جهت تقلب نسبت به قانون و دیگر بدلیل صوری بودن آن. دوم- اموال خود را بطور واقعی و با اراده جدی انتقال می دهد ولی انگیزه او فرار از دین می باشد. برای مثال، بدهکاری برای فرار از پرداخت دین خویش، و اضرار طلبکار، اموال خود را با اراده جدی و سالم به دیگران انتقال می دهد.

ماده ۲۱۸ اصلاحی به طریق اول از شکل اول نظر دارد یعنی اگر متعهدی برای محروم ساختن طلبکار از حق خود، اموال خویش را بطور صوری به دیگران انتقال دهد معامله مزبور باطل خواهد بود.

این نحو انشاء ماده ۲۱۸ اصلاحی از چندین جهت قابل ایراد است که بطور مختصر به آنها پرداخته می شود.

۱- سیدحسین صفائی، تقریرات، دوره فوق لیسانس سال ۱۳۶۶.
ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها. ج اول ص ۲۳۳، ۲۳۲.

۶- ایرادات ماده ۲۱۸ اصلاحی

بنظر می‌رسد که این ماده از طرفی بی‌فایده و از طرف دیگر نادرست‌نیز می‌باشد:

نخست- انشاء ماده ۲۱۸ اصلاحی به آن نحو بی‌فایده است. زیرا همانطوری که در فوق اشاره شد، این ماده نظر به معاملات صوری که به قصد فرار از دین واقع شده‌اند دارد. در حالی که حکم معاملات صوری، اعم از اینکه در آن قصد فرار از دین بوده باشد یا نه، هم در فقه و هم در قانون مدنی روشن و مصرح است، لذا نیازی به وجود چنین ماده قانونی جدید احساس نمی‌شود.

در فقه بموجب قاعده «العقود تابعه للقصد» معاملات صوری به جهت عدم لحاظ اراده در آن باطل می‌باشد. در قانون مدنی نیز به تبعیت از فقه امامیه در این زمینه، بموجب مواد ۱۹۱، ۱۹۴، ۴۶۳ و ۱۱۴۹ چنین معاملاتی به جهت فقدان اراده واقعی و باطنی، باطل اعلام گردیده‌اند. بنابراین با وجود حکم صریح راجع به معاملات صوری در فقه و قانون مدنی نیازی به چنین ماده قانونی نبود.

قانونگذار بایستی تمام راههایی را که ممکن است بدهکار، برای فرار از انجام تعهد خود در پیش گرفته و اسوال خود را پنهان نماید، مسدود نموده و بدین طریق ثبات اعتماد اجتماعی و امنیت معاملات را تضمین نماید. قبل از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱، قانونگذار ضمانت اجراهای لازم را در این خصوص ملحوظ داشته بود. بدین طریق که معاملات صوری را که به قصد فرار از دین واقع می‌شد، به جهت فقدان اراده باطل اعلام می‌کرد و معاملات واقعی را که به قصد فرار از دین انجام می‌یافت بواسطه ماده ۲۱۸ پیشین غیرنافذ اعلام می‌نمود. ولی بعد از حذف ماده ۲۱۸ پیشین ضمانت اجرای روشنی برای معاملات واقعی که به قصد فرار از دین انجام می‌یابند باقی نماند. بنابراین قانونگذار می‌بایستی در این خصوص گام بر میداشت و ضمانت اجراء دقیقی برای معاملات واقع شده به قصد فرار از دین پیش‌بینی می‌کرد، نه اینکه با وجود ضمانت اجرای روشن برای معاملات صوری در قانون مدنی، در یک ماده دیگر یعنی ماده ۲۱۸ اصلاحی، همان حکم را دوباره تکرار بکند.

دوم- انشاء ماده ۲۱۸ اصلاحی به آن نحو، نادرست نیز می‌باشد. زیرا از

مفهوم ماده مزبور استنباط می‌شود که هرگاه معامله با قصد فرار از دین نه بطور صوری، بلکه بطور واقعی صورت گرفته باشد، آن معامله صحیح خواهد بود. یعنی در واقع این ماده بطور ضمنی معامله واقعی با قصد فرار از دین را تجویز می‌کند و به بدهکاران شاید اجازه می‌دهد که با تمهید آن، از پرداخت بدهی خود امتناع ورزند. در حالی که تمام بحث بر سر این بود که معاملاتی که با قصد فرار از دین واقع شده‌اند، غیر نافذ اعلام گردند تا بدین طریق از اعمال شیادانه اشخاصی که به این نحو از پرداخت بدهی خود طفره می‌روند و موجبات تضییع حقوق طلبکاران را فراهم می‌آورند، جلوگیری شود. حال اگر مفهوم ماده ۲۱۸ اصلاحی، معامله به قصد فرار از دین را نافذ اعلام نماید، آیا ملاحظات اجتماعی و اخلاقی که غیر نافذ بودن معاملات با قصد فرار از دین را ایجاب می‌نماید نادیده گرفته نخواهند شد؟

ممکن است از مفهوم ماده ۲۱۸ اصلاحی چنین استنباط نیز بشود که اگر در معامله صوری قصد فرار از دین نباشد، آن معامله صوری صحیح می‌باشد، لذا این ماده مغایر با مواد ۱۹۱ و ۱۹۴ می‌باشد. ولی بنظر می‌رسد که این نحو استنباط از ماده ۲۱۸ اصلاحی با توجه به طریقه انشاء ماده مذکور، صحیح نمی‌باشد. سوم- موقعی می‌توان گفت معامله‌ای واقع شده است که آن معامله حائز شرایط اساسی صحت معامله باشد، بنابراین در معامله صوری، به جهت فقدان قصد انشاء، معامله‌ای واقع نگردیده است تا بتوان بر آن عنوان معامله نهاد و اگر اصطلاح معامله صوری هم در متون حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد من باب مسامحه است لذا انشاء ماده به این نحو که اگر «معامله بطور صوری انجام شود»، درست بنظر نمی‌رسد.

چهارم این که جمله «هرگاه معلوم شود» زاید است. زیرا این مسئله مربوط به مرحله اثبات است نه مرحله ثبوت که قانون مدنی در آن مقام می‌باشد. و این یک امر بدیهی و از مسلمات می‌باشد که تا زمانی که در مرحله اثبات، صوری بودن در معاملات صوری و قصد فرار از دین در معاملات واقعی به قصد فرار از دین، به اثبات نرسند، حکم به بطلان معاملات صوری و غیر نافذ بودن معاملات با قصد فرار از دین نمی‌دهند. بنابراین آوردن جمله مزبور در این ماده که در مقام ثبوت است، ضرورتی نداشته است.

ماده ۲۱۸ مکرر که همزمان با ماده ۲۱۸ اصلاحی قانون مدنی در سال ۱۳۷۰ بنصویب رسید، مقرر میدارد: «هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده، دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه میتواند قرار توقیف اموال وی را صادر نماید که در این صورت، بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت».

این ماده گرچه در کنار قوانین موجود در این خصوص، تا حدودی برای جلوگیری از تضییع حق طلبکار مفید میباشد ولی نمیتواند جای خالی ماده ۲۱۸ پیشین ق.م را پر کرده و آنطوری که شایسته است از حقوق طلبکاران حمایت نماید زیرا:

نخست این ماده در خصوص معامله به قصد فرار از دین حکمی ندارد. فقط به طلبکار اجازه میدهد که با اقامه دلایل و اثبات قصد بدهکار سببی بر فروش اموال خود برای فرار از پرداخت بدهی اش، توقیف اموال وی را از دادگاه بخواهد تا از انتقال اموال جلوگیری شود. بنابراین، اگر طلبکاری نتواند قصد فرار از دین، از طرف بدهکار را اثبات کند یا اصلاً طلبکار چنین فکری بذهنش خطور نکند، که بدهکار ممکن است چنین قصدی را داشته باشد، و در نتیجه بدهکار اموال خود را بفروش برساند و آنها را از دسترس طلبکار خارج سازد، ماده قانونی مزبور ضمانت اجرائی برای این معامله که به قصد فرار از دین واقع شده، ندارد.

سؤالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که آیا مصلحت حمایت از حقوق طلبکاران که وضع ماده ۲۱۸ مکرر را ایجاد کرده است، در خصوص معامله بقصد فرار از دین، چنین مصلحتی وجود ندارد؟ وقتی که بموجب ماده ۲۱۸ مکرر، همینکه قصد فروش مال برای فرار از پرداخت دین محرز شد، گرچه هنوز به مرحله عمل در نیامده باشد بدهکار از تصرف در اموال خود منع میشود، چرا وقتی که این قصد به مرحله اجراء در بیاید و شخص اموال خود را برای فرار از پرداخت دین خود، به دیگران انتقال میدهد، ضمانت اجرائی برای آن در نظر گرفته نمیشود؟

دوم- اقامه دلایل و اثبات قصد فروش اموال برای فرار از دین، عملاً مشکل و شاید بتوان گفت که در اکثر موارد غیرممکن است. زیرا، اشخاص و محاکم چه ابزار و وسایلی برای کاوش درون بدهکار و احراز نیت وی برای خودش و

فرار از دین را دارند؟ آیا بواسطه ادله اثبات قانونی، میتوان چنین قصدی را احراز کرد؟ آیا شخصی که قصد انجام معامله برای فرار از دین را دارد آنرا مکتوب مینماید؟ و یا در نزد کسی بازگو میکند و یا به آن اقرار مینماید؟ تنها وسیله‌ای که برای احراز چنین نیاتی متصور است، قرائن و امارات میباشد که آنهم درخصوص موضوع، بندرت میتواند وجود داشته باشند. در صورتیکه در معامله به قصد فرار از دین، انجام معامله، خود بهترین اماره برای قصد فرار از دین میتواند باشد. به عبارت دیگر، مهمترین مشکلی که در اجرای ماده ۲۱۸ پیشین برای محاکم وجود داشت، احراز قصد فرار از دین بود که معمولا انجام معامله میتواندست اماره‌ای برای فرار از دین محسوب شود. ولی بموجب ماده ۲۱۸ مکرر که علاوه بر قصد فرار از دین، قصد فروش اموال نیز باید اثبات شود، چنین اماره‌ای قابل تصور نمیشد، بنابراین مشکل اثبات قصد بدهکار مضاعف میگردد.

نتیجه

چنانکه ذکر شد، با حذف ماده ۲۱۸ پیشین قانون مدنی دعاوی مربوط به معاملات به قصد فرار از دین را هاله‌ای از ابهام فرا گرفته است و محاکم نیز دریافتن مبنای قانونی برای دعاوی مزبور در تشتت آراء بسر می‌برند. ماده ۲۱۸ اصلاحی نیز، که در این خصوص ضمانت اجرائی ندارد و حتی مفهوم آن اینگونه معاملات را تجویز می‌کند، نادرست و بی‌فایده می‌باشد. لذا ابهام دعاوی مذکور همچنان در محاکم باقی است.

بناء علیهذا و با توجه به محدودیتهایی که در اجرای قوانین موجود دیگر در این خصوص وجود دارد (۱) جای خالی ماده ۲۱۸ پیشین در مجموعه قوانین کشورمان ملموس است. (۲)

- ۱- مواد ۶۵ و ۱۳۲ قانون مدنی، ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب تیرماه ۱۳۵۱، مواد ۴۲ و ۴۰۰ قانون تجارت (رجوع شود به زیرنویس صفحه ۷ شماره ۲).
- ۲- برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به:
بهرام درویش‌خادم، معامله به قصد فرار از دین ص ۴۲-۵۲.
ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۷۰.

